

معماران معاصر یزد

بخش نخست

یزد را به عنوان کهن ترین شهر خشت خام می شناسیم. و ناگفته آشکار است، مردمانی که گذشته خود را می شناسند و پاس می دارند لحظه های حال را بهتر می سازند. خواسته علاقمندان میراث کهن به حفظ این گوهر گران بها در یزد که نسبت به دیگر شهرهای ایران بیشتر بافت خود را حفظ کرده است، نمی تواند بدون توجه به زیرساخت های تخصصی باشد.

بدون شک یکی از بهترین عواملی که می تواند بین ساختارهای جدید و گذشته این شهر تاریخی هماهنگی ایجاد کند، شناخت و بهره گرفتن از توانایی و تجربیات مهندسیین معمار موفق در دوره معاصر می باشد. انسان هایی که با علاقه و اشتیاق نه تنها به حصول دانش تئوری پرداخته بلکه بررسی و آموختن تجربه های معماران سنتی را نیز ادامه مکمل راه خود قرار داده تا آجر بر آجر این آثار به یادماندنی ای بیفزایند که به معنای واقعی کلمه معماری بومی محسوب می شود.

فصلنامه چیدمان با همکاری مهندس ایمان خواجه رضایی به مستندنگاری آثار و اندیشه های معماران معاصر یزد پرداخته و پس از بررسی معیارهای مختلف تلاش شد با چند تن از این اساتید گفتگویی داشته باشد. در این گفتگوها سعی بر آن رفته تا جهان بینی و نگرش آن هنرمندان به معماری و روند فعالیت ایشان را در صفحاتی مختصراً مکتوب شود، هرچند که سال های پرتلاش و پارساژه آن ها در این مجال نمی گنجد و بناهای پایدارشان نقشی جاوید در شهر یزدان است.

ترتیب قرار گرفتن مصاحبه ها لاجرم با منطق خطی نوشتار، براساس حروف الفبا می باشد و می دانیم که نام بزرگانی در این میانه نیامده است، چرا که فضای اندک ما و همچنین مشکلات ارتباط گیری سبب شد در این شماره تنها با شش معمار معاصر یزد آقایان سید محمد حسین آیت الهی، علی صادقیان، محمد حسن مسعودی، کاظم مندگاری، مسعود نبی میبیدی و محمد رضا نقصان محمدی گفتگو داشته باشیم و هم چنان شماره های دیگر فصلنامه به روی دیگر معماران ارجمند گشوده است. البته در همین جا باید از تمامی بزرگوارانی که برای مصاحبه وقت خود را در اختیار ما قرار داده اند، سپاسگزاری کنیم.



رجوع به ارزش‌های سنتی جهت ایجاد الگوهای آموزش معماری

در گفتگویی با دکتر مسعود نبی‌میبدی

تهیه و تنظیم: مهندس ایمان خواجه‌رضایی، محبوبه آذرزاده، نیلوفر صالحی ابرقویی

بیوگرافی: متولد ۱۵ مهر ۱۳۴۷ در شهرستان میبد هستم. خانواده‌ای مذهبی دارم و همه برادرانم و نیز بسیاری از بستگان دارای تحصیلات ممتاز دانشگاهی هستند. از طرف پدری؛ پدر بزرگ و برخی از فامیل به کار تولید زیلو اشتغال داشته‌اند و زیلوی تولیدی این فامیل معروف و زبانزد بوده است. گفته می‌شود هنوز برخی از این زیلوها در حرم ائمه معصومین نگهداری می‌شود و حتی هنوز برخی مردم از کیفیت این زیلوها یاد می‌کنند.

محل‌های که در آن متولد شدم «بشینخان» نام دارد. با مردمانی شریف و مهربان. این محله یکی از هفده محله شهرستان میبد است. در زمان کودکی من، محلات شهر به وسیله باغات متعدد از یکدیگر جدا می‌شد و در آن موقع بافت زیبای شهر میبد تغییرات کالبدی امروزی را به خود نگرفته بود. و زندگی کودکانه در این فضای شهری منحصر به فرد که تلفیقی از مشاهده کارگاه‌های زیبای زیلوبافی، خانه‌های ساده خشت و گلی با بادگیرهای یک طرفه میبدی شرایطی مملو از یادگیری و آموزش را برایم رقم زد.

من از بدو تولد در کنار چرخه تولید زیلو بزرگ شدم، جایی که زن‌ها کلاف‌های نخ را ماسوره می‌کردند. مردهای فامیل و محله در کنار دیوارهای چینه‌ای «کار زیلو می‌دواندند» (یعنی مقدمات دار زیلو را فراهم می‌کردند) و کوچکترها در کارگاه زیلوبافی «پنجه می‌زدند».

هرچند بهره کمی از این هنر زیبا و اصیل بردم و بسیاری از فنون و رموز نقش و بافت زیلو را فرا نگرفتم، لکن حضور داشتن در جلوی دار زیلو و پنجه زدن و مشاهده دائمی نقش‌های هندسی زیلو تأثیراتی را در من به وجود آورد که تصور می‌کنم حتی هنوز هم در زندگی حرفه‌ای ام حضور دارد.



نام پروژه: Yazd City Center



نام پروژه: برج اداری-تجاری یزد، میدان امام علی



نام پروژه: آپارتمان مسکونی غدیر



و مجموعه فرهنگی آیت... حائری میبید را انجام دادم. پروژه مصلاهی آیت... اعرافی شهرستان میبید که هنوز هم روند ساخت آن ادامه دارد یکی از کارهای خاطره انگیزم است و من در طراحی آن تجربه‌هایی عالی کسب کردم.

از سال ۱۳۷۸ بیشتر درگیر یک سری کارهای انبوه‌سازی مسکونی شدم. پروژه‌هایی مثل آپارتمان‌های مرجان، غدیر و پارسیان برخی از این پروژه‌ها هستند که ساخته شده‌اند. برخی از پروژه‌های اداری-تجاری نظیر ساختمان بورس یزد و ساختمان سپهر نیز جزو پروژه‌هایی هستند که من طراحی کرده‌ام.

البته به موازات اینها پروژه‌هایی دیگر نظیر ساختمان‌های مسکونی، پارک، مدرسه و غیره هم طراحی کرده‌ام.

چیدمان: تعریف و توصیف شما از معماری چیست؟

همیشه در کلاس‌های مختلف برای دانشجویان تأکید می‌کنم که بعضی چیزها را به لحاظ ساختار و ماهیت‌شان می‌توان تعریف کرد. اصولاً چیزهایی را که می‌توان تصور نمود قابل تعریف هستند و در غیر اینصورت باید به تشریح چیزها بپردازیم. مفهوم معماری را نمی‌توان تصور کرد کما اینکه نقاشی را. بنابراین اینها قابل تعریف نیستند شاید به همین دلیل است که خیلی‌ها برای مفاهیمی چون هنر، معماری، فضا و امثال اینها مطلب نوشته‌اند و در این زمینه‌ها کتاب‌ها تألیف شد، اما هنوز تعریفی واحد و قانع‌کننده و یا به عبارتی تعریفی جامع و مانع در این زمینه‌ها و موضوعات ارائه نگردیده است. بنابراین قابل توجیه است که برای این مفاهیم تشریح‌های مختلف قابل ارائه باشد و البته این تشریح‌ها می‌تواند برداشت‌های متفاوت برای مخاطبان ایجاد کند.

خود من هم زمانی به‌واسطه این تشریحات و برداشت‌ها، تلقی خاصی از معماری داشتم، و امروز تلقی‌ای متفاوت دارم. شاید هم در گذر زمان و به‌واسطه



نام پروژه: مجتمع تجاری راین

تحصیلات دوران ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در رشته ریاضی فیزیک را در شهرستان میبید گذراندم و در سال ۱۳۶۵ در کنکور سراسری در رشته کارشناسی‌ارشد معماری دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم. البته در آن سال‌ها رشته معماری در شهرهای کوچک خیلی شناخته شده نبود و من به‌طور تصادفی با این رشته آشنا شدم و در کنکور امتحان دادم.

در سال ۱۳۷۳ در مقطع کارشناسی‌ارشد فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۱۳۷۲ و قبل از فارغ‌التحصیلی برای چند ماه با دفتر فنی استانداری یزد و نیز شهرداری یزد همکاری می‌کردم و از سال ۱۳۷۴ نیز برای کار در دانشگاه یزد پذیرفته شدم و از آن سال تاکنون افتخار خدمت در این دانشگاه را دارم.

البته از سال ۱۳۸۳ نیز برای دوره دکترا در دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم و تحصیلاتم در این مقطع نیز تا سال ۱۳۸۸ به طول انجامید.

انگیزه:

دقیقاً نمی‌دانم چه انگیزه‌ای من را به سمت رشته معماری کشاند. من با این رشته آشنایی نداشتم. شاید فقط در دوره دبیرستان یک بار از زبان یکی از معلم‌ها اسم معماری را شنیدم فقط همین. اما شاید این انگیزه مربوط به همان دوران کودکی باشد، زمانی که کوچه‌های میبید هنوز آسفالت نبودند، بارها آبیاری می‌شدند و در این کوچه‌های خاکی و باغ‌های آبیاری شده خاکبازی و گل بازی یکی از سرگرمی‌های ما بود. کمی بعد، این سرگرمی جهت‌دارتر شد و با گل خشت می‌ساختیم؛ خشت‌هایی کوچک و با همان خشت‌های کوچک ساختمان‌هایی کوچک می‌ساختیم و با هم‌بازی‌ها رقابت می‌کردیم تا ببینیم چه کسی ساختمان زیباتری می‌سازد شاید علاقه من به ساخت و ساز و ساختمان به همین دوره باز می‌گردد. جالب است بگویم در آن زمان برای ساختن آن چیزها همواره دغدغه‌هایی داشتیم و خوب که نگاه می‌کنم می‌بینم هنوز هم دغدغه‌هایی مشابه دارم.

چیدمان: معرفی بهترین پروژه‌ها و مقالات نوشته شده و توصیف پروژه‌هایی که انجام داده‌اید؟

در سال‌هایی که در رشته معماری تحصیل می‌کردم پذیرش دانشجویی مثل امروز نبود و تعداد خیلی محدودی حدوداً ۱۴۰ الی ۱۵۰ نفر در کل کشور در این رشته پذیرفته می‌شد. هم‌زمانی تحصیلات من و سال‌های پایانی جنگ تحمیلی و دوران ساخت و ساز پس از جنگ شرایط مساعد و مناسبی را برای کار فراهم آورد. من فرصت پیدا کردم در دوران دانشجویی به‌صورت پاره‌وقت در چند شرکت مهندسی مشاور کار کنم و این همکاری‌ها تجربیات بسیار ارزنده‌ای را در اختیارم گذاشت. به‌نحوی که بعد از مدتی توانستم در برخی شرکت‌ها مدیریت برخی پروژه‌ها و حتی پروژه‌های مهم را برعهده بگیرم و تا قبل از فارغ‌التحصیلی در مقطع کارشناسی‌ارشد چند پروژه نظیر کتابخانه پارک غدیر یزد



نام پروژه: مجتمع فرهنگی میبد



نام پروژه: کتابخانه پارک غدیر



نام پروژه: کتابخانه پارک غدیر

اینها به مفهوم معماری برسند مثل کسی است که برای درک چیزی سایه آن را دنبال کند. معمار باید مجموعه‌ای از دانش‌ها را بداند و بتواند آن‌ها را بر اثر خود اعم از طرح یا ساختمان به کار بگیرد. جالب است در این نظریه معمار باید به دانش‌هایی چون هندسه، ریاضیات، فیزیک، مکانیک، موسیقی، نجوم و بالاخره فلسفه تسلط داشته باشد. شاید براساس این دیدگاه فقط افرادی معدود و محدود همچون ایمهونپ و داوینچی و شیخ بهایی را بتوانیم معمار قلمداد کنیم.

در این تلقی ویژه از معماری جایگاه نظریه علل چهارگانه ارسطویی نیز قابل پیگیری است. همان‌گونه که وی معتقد است برای به وجود آمدن آن چهار علت فاعلی، صوری، مادی و غایی لازم است. در حوزه معماری هم برای به وجود آمدن ساختمان این چهار علت و عامل لازم‌اند و معماری یک عبارت و معمار به عبارتی دیگر علت فاعلی هستند، و اثر معماری و یا ساختمان علت غایی محسوب می‌شوند. و بدیهی است که در این دستگاه این علت‌های چهارگانه وابسته و مرتبط به یکدیگرند. به اعتقاد من تشریح ویتروویوس از معماری که پشتوانه‌ای معتبر همچون نظریه ارسطو را به همراه دارد تشریح و تلقی زیبا و در عین حال درستی است و از نگاه آسیب‌شناسی برخی از تلقیات امروزی از معماری با این تشریح فاصله دارند. به عنوان مثال معماران مدرن با مطرح کردن مفهوم «فضا» و تلاش برای ایجاد جایگاه ویژه برای آن در معماری بدون در نظر گرفتن اصل آن یعنی اثر معماری و ساختمان دچار غفلت شده‌اند.

چیدمان: درباره معماری امروز یزد و آنچه در شهر می‌بینید نظرتان چیست؟ توسعه رشته معماری در دانشگاه‌های کشور و به خصوص یزد را چگونه می‌بینید؟

دلایل زیادی وجود دارد که بتوان ادعا کرد توسعه رشته معماری در کشور و به ویژه استان یزد، با رویه فعلی بیشتر آفت است تا امکان توسعه رشته‌های مختلف دانشگاهی در بعد کمی. باید بنابر اهداف دقیق و برای بلند مدت برنامه‌ریزی می‌شد، نه اهداف سطحی و کوتاه مدت. شرایط فعلی و آتی ساخت و ساز کشور پاسخگوی مطالبات حرفه‌ای این تعداد فارغ‌التحصیل نیست و در آینده این وضعیت سخت‌تر نیز خواهد شد.

علاوه بر آن توسعه کمی رشته‌های دانشگاهی الزاماتی نیز دارد. امکانات آموزشی، امکانات کالبدی و فضای در شأن، به ویژه تأمین اساتید مجرب برای این رشته ضرورت دارد. رشته معماری و آموزش آن نیاز به معلم خوب دارد. معلم خوب کسی است که از شاگردی شروع و سال‌ها شاگردی کرده باشد و خوب هم شاگردی کرده باشد.

در نظام استاد شاگردی معماری در قدیم معماران سال‌ها شاگردی می‌کردند و می‌آموختند و مهارت کسب می‌کردند و هیچ‌گاه خود را از استاد سر نمی‌دانستند. یک شاگرد حتی اگر به مراتب بالای مهارت و تخصص هم دست می‌یافت باز شاگردی می‌کرد و شاگردی می‌کرد تا نگرش و جهان بینی خود را ارتقاء دهد و این را دست یافتنی نمی‌دید مگر به شاگردی کردن.

امروز هم معلم خوب برای رشته معماری باید این ویژگی را داشته باشد. باید دید برای توسعه رشته معماری هم آیا به این شرط توجه شده است. خود من زمانی که استخدام شدم چند سالی به عنوان همراه و دستیار به کلاس‌ها می‌رفتم.

تجارب مختلف آموزشی و حرفه‌ای نگاهی وسیع به مقوله معماری پیدا کردم، و این برای هر فرد و مهندسی یک موضوع بدیهی و عادی است.

اما تصور می‌کنم در کل نوع نگاه به انسان مخاطب معماری، اثر معماری و نگرش معمار به جهان هستی و مبدأ و معاد آن، نقشی تعیین‌کننده در تشریح و یا نگاه به معماری دارد. و نحوه امتزاج این عوامل هست که دیدگاه‌های مختلف به معماری عرضه می‌کند و سبک‌ها و مکتب‌های گوناگون را شکل می‌دهد.

نکته مهم دیگر این است که در تشریح معماری، جایگاه «اثر معماری» نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد و اساساً برای ایجاد یک برداشت مناسب از معماری عدم توجه به اثر آن یعنی ساختمان یا همان محصول ساخته شده کاری بدون نتیجه است. کما این که نقاشی را نیز نمی‌توان از اثر نقاشی جدا کرد، اثر نقاشی یعنی نقاش و چیزی که روی بوم می‌آید. اثر معماری هم یعنی طرح معماری و یا چیزی که به شکلی دیگر تبلور عادی می‌یابد و ساخته می‌شود یعنی همان ساختمان و تیروویوس معماری است که در صد سال پیش از میلاد می‌زیسته است. او در مقدمه ارزشمند کتاب خود اشاره می‌کند که معماری دارای دو «رکن»، «نظر» و «عمل» هست و کسی که بخواهد با دنبال کردن فقط یکی از



البته به دلیل همین شرایط توسعه کمی، مجبور شدم خیلی به صورت مستقل به عنوان معلم درس بدهم. اکنون احساس می‌کنم که چقدر بهتر بود تا بتوانم سال‌های بیشتری را به عنوان همراه و دستیار در جریان امر آموزش قرار گیرم. در بسیاری از کشورهای پیشرفته هم این موضوع مرسوم است و بسیاری از افراد سال‌ها به عنوان دستیار در کنار اساتید مجرب کسب تجربه می‌کنند.

متأسفانه در شرایط فعلی و با این رویه توسعه دانشکده‌های معماری بسیاری از جوانان فارغ‌التحصیل به سرعت وارد امر خطیر آموزش و معلمی می‌شوند بدون اینکه حتی یک ترم حضور در کنار معلم با سابقه را تجربه کرده باشند و طبیعی است که این امر می‌تواند صدمات عمیقی را به این عرصه آموزشی وارد نماید.

چیدمان: به نظر شما با آنچه که در معماری امروز شاهد آن ارتباطی دارد؟

در حوزه پژوهش‌های کیفی مفهومی به نام «زمینه» (context) داریم با این مضمون که زمینه و ویژگی‌های آن با کیفیت وقایع و رخداد‌های درون آن رابطه‌ای از نوع همبستگی دارد. این موضوع ناشی از تفکر جمعی در سطح ملی و جهانی است. جامعه جهانی در شرایطی قرار دارد که معیار توسعه را شاخص‌ها و آمار کمی می‌داند و این زمینه هم در گسترش شهرها تأثیر می‌گذارد و هم بر تعدد و تخصصی کردن رشته‌های دانشگاهی و هم بر پذیرش و تعداد پذیرش دانشجویان. البته تشریح دقیق هر یک از این مسائل نیاز به وقت بیشتری دارد ولی به هر صورت مسائلی نظیر توسعه نامطلوب شهرها در ابعاد مختلف، توسعه اقتصادی و توسعه علمی با یکدیگر و در جهت مثبت رابطه‌ای همبسته دارند.

چیدمان: نظر شما به طور خاص درباره توسعه جدید شهر و ساخت و سازهای آپارتمانی غیرهمساز با شرایط فرهنگی و اقلیمی چیست؟

بنابر مطالب قبلی این توسعه و ساخت و ساز، خیلی متناسب و برازنده سایر شرایطی است که در آن قرار داریم. ساخت و ساز ماهیت پیدا نمی‌کند مگر متناسب با شرایط و زمینه و جو موجود و انتظار دیگری هم نباید داشت. البته اهرم‌ها و مکانیزم‌هایی همچون آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها فنی ساخت نهادهایی چون سازمان نظام مهندسی و شهرداری می‌تواند تاحدی شرایط کمی را در حوزه ساخت و ساز کنترل نماید، که البته این هم خود مهم است، ولی به هر صورت نمی‌توان انتظار داشت بدون اصلاح شرایط فرهنگی و زمینه‌های فکری جامعه و بینش و نگرش زمینه‌ای موجود به توسعه‌ای در جهت متعالی دست یابیم.

چیدمان: نظر شما به عنوان یک متخصص معماری درباره بافت تاریخی یزد چیست؟ و به نظر شما آیا متولیان این حوزه تا به حال به درستی عمل کرده‌اند؟

اقدامات عمرانی، وضع مکانیزم‌های قانونی برای محافظت از بافت تاریخی و امثال اینها یک سری ابزارها هستند برای جلوگیری از تخریب این میراث با ارزش. اما خیلی مصداق‌ها وجود دارد که نشان می‌دهد در جامعه ایرانی ابزارها، اهرم‌ها و مکانیزم‌ها برای پیشبرد برخی اهداف و یا جلوگیری از بعضی رخدادها کارایی لازم را ندارند. هرگاه مسئولین و مجریان برای منظور خاصی مکانیزمی را طراحی کرده‌اند که با زمینه فکری جامعه مغایرت داشته، مردم نیز خیلی زود مکانیزم‌های خنثی‌کننده آن را ابداع کرده‌اند.

در مورد بافت قدیم یزد که خیلی هم مهم است نیز همین موضوع صادق است و در این رابطه هم آنچه باید متحول شود نگرش مردم است، و این موضوع مسأله‌ای پیچیده است. من فکر می‌کنم که طرز تفکر و نگرش جامعه وجوه و ساختاری دارد و این ساختار در حال حاضر نسبت به گذشته و حتی گذشته نزدیک تا بیست الی سی سال پیش خیلی تغییر کرده و از سویی شباهتی با نگرش‌های جوامع سرمایه‌داری نیز ندارد.

به اعتقاد من رسانه‌ها، اینترنت، ماهواره و سایر عواملی که شرایط را رقم زده‌اند تا مفهوم «دهکده جهانی» عینیت بیاید، از یک طرف -و نیز عادات، آداب و رسوم و سایر شرایط

فرهنگی جامعه ما از طرف دیگر- جامعه فعلی ما و نیز نگرش آن را در وضعیتی دو سویه قرار داده است. همه ما اگر بتوانیم خانه‌های بزرگ می‌سازیم اما به خاطر فضاهای غیر ضروری که ساخته‌ایم و با مصرف زیاد سوخت برای گرم کردن خانه‌مان خود را سرزنش می‌کنیم! ماشین مدل بالا سوار می‌شویم و بی‌هدف گرد شهر پرسه می‌زنیم و از سویی به خاطر آلوده کردن محیط زیست خودمان را نفرین می‌کنیم!

این یعنی اینکه نگرش ما دوسویه است و ما در میان این دو سرگردانیم. و البته می‌توانیم ادعا کنیم که به‌ویژه زمینه‌های اقتصادی در شکل‌گیری نگرش‌ها بسیار مهم‌اند. اما امروزه این زمینه به شکلی اغراق‌آمیز بر نگرش جامعه ما تأثیر می‌گذارد.

از این رو من معتقدم با توجه به این وضعیت بافت قدیم را نمی‌توانیم حفظ کنیم، مگر با انگیزه‌های اقتصادی. شاهد این ادعا هم مصداق‌هایی است که مشاهده می‌کنیم. امروز شاهد این هستیم که بیشتر فعالیت‌های مردمی جهت حفظ یا بازسازی ابنیه و بافت قدیم یزد در ساخت و تغییر کاربری به هتل‌ها، رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها است. البته فعلاً و برای کوتاه مدت همین هم خوب است، اما به هر حال باید برای این وضعیت فکری اساسی‌تر کرد. ■